

تحلیل محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران

غلامرضا کاظمیان^۱

دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی

امیر حسین معصومی فر^۲

دریافت: ۲۰ بهمن ۱۳۹۷

پذیرش: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۸

(صفحه ۱۰۰-۸۳)

کلیدواژگان: شهر، شهروند، حق بر شهر، تحلیل محتوا، قوانین، ایران.

چکیده

منظور ۸ قانون انتخابی در ۱۳ مؤلفه از چارچوب تحلیلی امتیازدهی شد که برآورد پایایی تحلیل یا اشتراک نظر میان آرای متخصصان عدد ۰٫۸۶۵ را نشان می‌دهد. بنا بر نتایج حاصل از تحلیل محتوا، «قانون اساسی» بیشترین مطلوبیت محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر و قانون «تعاریف حریم و محدوده» کمترین مطلوبیت را دارد. همچنین قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» از هرگونه محتوای ناظر بر حق بر شهر عاری است. به طور کلی مطلوبیت قوانین مورد بررسی از نظر رویه‌ای بیشتر از مطلوبیت محتوایی است. همچنین پراکندگی مطلوبیت رویه‌ای کم و پراکندگی مطلوبیت محتوایی در بین قوانین شهری و شهروندی ایران نسبتاً زیاد است و قانونی در این کشور وجود ندارد که مشخصاً شهروند را ساکن شهر (نه تبعه کشور) قلمداد کند.

حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نسبتاً نوظهور در علم حقوق است که با اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در سال ۱۹۷۹ تجلی عینی یافت و منشور جهانی حقوق شهری در سال ۲۰۰۴ نیز آن را تکمیل کرد. با این حال در نیم قرن اخیر و با عرضه قرائت لفور از مفهوم شهروند که آن را نه به مثابه تبعه کشور، بلکه به مثابه ساکن شهر قلمداد کرد، حقوق شهروندی وارد مرحله تازه‌ای از تطوّر شد که آن را دوره «حق بر شهر» می‌نامند. هدف اصلی در این مقاله ارزیابی ابعاد و مؤلفه‌های محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران به منظور نمایاندن تصویری دقیق از بازتاب مفهوم حق بر شهر و شهروند در قوانین مورد اشاره است. روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است. بر اساس ادبیات و مبانی نظری موضوع، چارچوب تحلیلی تحقیق مشخص شد و متغیرها، ابعاد، مؤلفه‌ها، و مقوله‌های منتج از آن عرضه گردیدند و سپس، با استفاده از همین چارچوب، قوانین مورد نظر به روش نمونه‌گیری از موارد شناخته‌شده انتخاب و تحلیل شدند. برای این

مقدمه

تحولات تاریخ و نوسانات زندگی اجتماعی بشر روابط شهروندان با یکدیگر و روابط شهروندان با حکومت‌ها را همواره دستخوش تغییر کرده است. این تغییرات موجب نیازمندی همیشگی به وضع قواعدی برای تنظیم روابط میان شهروندان و حکومت‌ها به شکل نهان یا

1. kazemian1344@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی
ah.masoumifar@yahoo.com

پرسش تحقیق

بازتاب مفهوم حق بر شهر در قوانین حوزه شهری و شهروندی ایران چه و چگونه است؟

آشکار در جوامع گوناگون شده است، به‌ویژه در سده‌های اخیر و به طور خاص با ورود به عصر مدرن، شدت نیاز به تعیین حقوق و تکالیف حکومت‌ها و ملت‌ها در برابر یکدیگر بیش از پیش احساس می‌شود، به گونه‌ای که در سطوح ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی نظامات حاکمیتی قواعد متعدد و متنوعی به منظور حل این مسئله وضع شده است.

در تبیین روابط میان ملت‌ها و حکومت‌ها، شهروندی^۳ را مفهومی کلیدی دانسته‌اند. بررسی اسناد قانونی در خصوص تبیین روابط ملت‌ها و حکومت‌ها در طول تاریخ از جمله استوانه کوروش یا منشور حقوق بشر او در ۵۳۸ ق.م، منشور کبیر انگلستان یا ماگنا کارتا^۴ در سال ۱۲۱۵م، اعلامیه استقلال ایالات متحده^۵ در سال ۱۷۷۶، اعلامیه حقوق انسان و شهروند^۶ در ۱۷۸۹، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۷ در ۱۹۴۸، منشور جهانی حق به شهر^۸ در سال ۲۰۰۴، و سایر قوانین وضع شده در سطوح ملی و بین‌المللی بیانگر دو موضوع است: اولاً ایجاد و تکوین مفهوم شهروندی و ثانیاً تغییر آن بر حسب مقتضیات اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی حاکم بر جوامع.

در این میان شهروندی را می‌توان جوهره رابطه میان حکومت و ملت دانست که خود به معنای ادغام همه ساکنان یک قلمرو در قالب اجتماع سیاسی و برابری سیاسی آنان در مقام شهروند است^۹؛ اما سیر تطوّر مفهوم شهروندی در طول تاریخ موجب تغییر و تحول آن شده است، تا جایی که امروزه، با افزوده شدن مؤلفه فضای شهری به مفهوم شهروندی، ابعاد جدیدی از شهروندی پدید آمده است. اصطلاح «حق بر شهر»^{۱۰} را اولین بار هانری لِفور، اندیشمند برجسته فرانسوی، در سال ۱۹۶۸ و هم‌زمان با جنبش‌های دانشجویی آن سال در پاریس مطرح کرد. قرائت لِفور از مفهوم شهروندی با تعاریف پیشین از شهروندی متفاوت بود. لِفور شهروند را تبعه یک کشور معرفی نکرد، بلکه این واژه را شامل همه ساکنین شهر دانست^{۱۱}. درحالی که پیش از آن شهروند عمدتاً به معنای تبعه کشور در نظر گرفته می‌شد.

بسط و نشر آرای لِفور از سوی اندیشمندان دیگری چون هاروی و پارسل در عصر پسامدرن موجب شد تا ادغام حق بر شهر در مفهوم شهروندی از حیثه نظری صرف خارج و در اسناد قانونی چون منشور جهانی حق بر شهر در سطح بین‌المللی و بسیاری اسناد مشابه دیگر در سطح ملی برای بسیاری از کشورها وارد شود و مناسبات میان ملت‌ها و دولت‌ها را نیز دستخوش

3. Citizenship
 4. Magna Carta
 5. United States Declaration of Independence
 6. Déclaration des droits de l'Homme et du Citoyen
 7. Universal Declaration of Human Rights
 8. World Charter on the Right to the City
 ۹. کاستلز و دیویدستون، ۱۳۸۳
 10. Right to the City
۱۱. نک: H. Lefebvre, "Space and Politics".

سیاسی و عمومی بود. در نظر ژان ژاک روسو، فیلسوف و متفکر فرانسوی قرن هجدهم، مفهوم شهروندی در بیان ایدئالیستی آن به معنای ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع شخصی است و بر این اساس شهروند ایدئال کسی است که بتواند مصلحت عموم را اراده کند و در تضاد آن با منافع فردی خویش، منافع عمومی را ترجیح دهد تا به این ترتیب شهروند دارای اراده عمومی و فضیلت مدنی باشد.^{۱۲}

تعریف تکلیف‌مدارانه روسو از مفهوم شهروندی با آرای فردگرایانه و حق‌مدارانه قرن نوزدهمی از این مفهوم، که حول تأمین رفاه فردی افراد در جامعه بود، همخوانی نداشت. در قرن نوزدهم حقوق شهروندی بیشتر ابزاری برای تأمین سعادت و رفاه فردی در نظر گرفته می‌شد و به تأمین سعادت و رفاه جامعه کمتر از آن توجه می‌شد. در اوایل قرن بیستم و با پیدایش مفهوم حقوق اجتماعی، تحولی در مفهوم شهروندی پدید آمد. توجه به حقوق اجتماعی، که حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، و مواردی از این دست است، باعث گردید تا حقوق شهروندی دیگر به موضوعات مدنی و سیاسی منحصر نباشد. از پیامدهای تحول در مفهوم شهروندی در قرن بیستم تأمین مؤثرتر حقوق شهروندان در برابر نظام سرمایه‌داری بود.^{۱۳} به دلیل تغییر چارچوب فکری انسان عصر مدرن، جهان جدید، در مقابل مفهوم همیشگی رعیت، مفهوم شهروند را قرار داد.^{۱۴} این مفهوم با عرضه پارادایم نظری پسامدرن در نیمه دوم قرن بیستم در علوم اجتماعی و تبدیل نقش شهرها از سکونتگاهی بزرگ با جمعیت متراکم به مرکزی برای حکومت و اداره امور، فرهنگ، شبکه‌سازی اجتماعی، و بنگاه‌های اقتصادی^{۱۵}، نقشی محوری در تنظیم کم‌وکیف مناسبات میان ملت‌ها و حکومت‌ها در عرصه‌های حیات جمعی یافت. مفهوم شهروندی در آخرین مرحله از سیر تطوّر خود با افزوده شدن جنبه مکانی و فضایی حق و تکلف بدان، دستخوش تغییر گردید و به مفهومی مرکب به نام حق بر شهر تبدیل شد.

تغییر کند. از این رو، کم‌وکیف تغییر این مناسبات، به خاطر افزوده شدن مفهوم حق بر شهر در منشورهای حقوق شهروندی در سال‌های اخیر، موضوعی بدیع در ادبیات پژوهشی مفاهیم شهروندی و حق بر شهر شناخته می‌شود.

بر این اساس، تحلیل چپستی و چگونگی بازتاب مفهوم حق بر شهر در قوانین حوزه شهری و شهروندی ایران موضوع اصلی این پژوهش است. با توجه به بدیع بودن مفهوم حق بر شهر در عرصه نظری و همچنین نامعین بودن حدود و ثغور آن در قوانین موجود، اولاً بررسی و تحلیل رویه‌های قوانین شهری و شهروندی ناظر بر حق بر شهر در ایران و ثانیاً بررسی و تحلیل محتوایی ابعاد و مؤلفه‌های حق بر شهر در این قوانین می‌تواند به عرضه تصویری دقیق از کم‌وکیف چپستی و چگونگی مفهوم حق بر شهر در قوانین مربوطه منجر شود. لازم به توضیح است که مقصود از تحلیل رویه‌ای در این مقاله بررسی فرایند اجرای قوانین در عرصه عمل نیست؛ بلکه ویژگی‌های ساختاری قوانین است. این تحلیل مبتنی بر چارچوبی شامل ۹ مؤلفه است که در ادامه تشریح خواهد شد.

ساختار مقاله حاضر، به منظور تحقق این اهداف، از ۳ بخش عمده تشکیل شده است: نخست، ایجاد چارچوب تحلیلی مبتنی بر ادبیات موضوع به منظور سنجش رویه‌ای و محتوایی قوانین منتخب، دوم، به‌کارگیری چارچوب تحلیلی برای قوانین منتخب، و سوم، تحلیل یافته‌های حاصل از اعمال چارچوب تحلیلی تحقیق بر قوانین مورد نظر و بیان سنخ‌شناسی حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران از منظر رویه و محتوا.

۱. مبانی و مفاهیم نظری

۱.۱. تطوّر مفهومی حقوق شهروندی

شهروندی در یونان و روم باستان به معنای داشتن حقوق و تکالیف یکسان در رویایی با قانون و نیز مشارکت در امور

۱۲. نک: لون اریک لیدمان، تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس.

۱۳. نک: حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی.

۱۴. نک: مهرداد نوابخش، «بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی».

۱۵. نک: غلامرضا کاظمیان و دیگران، مدیریت شهری، جلد اول: مبانی و حوزه‌ها.

کنش همه ساکنان شهر و استفاده‌کنندگان از فضای شهر است».^{۱۹}

مفهوم حق بر شهر در بیان لفور با مفهوم فضا ارتباط نزدیکی دارد، فضای شهری که عناصر مکان، جریان زمانی، انسان، و بازتولید روابط اجتماعی آن را در بر گرفته است. لفور حق بر شهر را به مثابه یک تقابل و مبارزه شدید در برابر سرمایه‌داری مطرح می‌کند.^{۲۰} از نظر او شهرهای امروزی منعکس‌کننده روابط سرمایه‌داری و قدرت هستند،^{۲۱} روابطی که در فضای شهری نمود یافته‌اند و می‌توانند باعث محدود کردن فضاهای شهری و ایجاد انحصار در تصمیم‌گیری‌های عمومی شوند، بنابراین بر تحقق یا تضعیف حقوق شهروندان اثر می‌گذارند. اساس حق بر شهر، از یک سو، مبتنی بر حق تخصیص فضای شهری به شهروندان و از سوی دیگر، مبتنی بر حق مشارکت آن‌ها در اموری است که مستقیماً بر فضای شهری و زندگی روزمره آن‌ها تأثیر می‌گذارد.^{۲۲}

قرائت لفور از شهر قرائتی است که از تقابل اندیشه‌های نئومارکسیستی با سرمایه‌داری پدید آمده و از همین رو، ایجاد مفهوم حق بر شهر از سوی او در نیمه دوم قرن بیستم را می‌توان در امتداد پیدایش مفهوم حقوق اجتماعی در اوایل قرن بیستم دانست که آن نیز حاصل اولین تقابل جامعه مدرن با نظام سرمایه‌داری بود. لفور معتقد است مدرنیته و توسعه شهرها با محوریت پول و سرمایه به از بین رفتن شهر به مثابه اثر هنری منجر خواهد شد که این امر در نظر او به معنای جانشینی فضای اجتماعی با فضایی مبتنی بر مبادله است. این فرایند یعنی تبدیل فضای اجتماعی به فضای مبادله‌ای بر توزیع و دستیابی به خدمات عمومی، از یک سو، و افزایش فاصله طبقات اجتماعی، از سوی دیگر، تأثیر خواهد گذارد.^{۲۳} حق بر شهر ایده و راه حلی است که لفور برای مقابله با شکل‌گیری فضای مبادله‌ای بیان می‌کند. او حق بر شهر را یک فرمول برای تازه کردن زندگی شهری و یک نیاز می‌داند که خود فراتر از همه انواع حقوق آشکار

بررسی اندیشه‌های عرضه‌شده پیرامون مفهوم شهروندی، تا پیش از ابداع و گسترش مفهوم حق بر شهر، مؤید آن است که «به صورت متداول بهره‌مندی از حقوق شهروندی منحصر به شهروندان ملی است»^{۲۴}، با وجود این، هانری لفور ایده‌پرداز مفهوم حق بر شهر معتقد است که حقوق شهروندی به معنای حقوقی است که به ساکنان شهر تعلق دارد.^{۲۵} این قرائت تازه از حقوق شهروندی در قالب بسط مفهوم حق بر شهر از سوی سایر اندیشمندان حوزه شهری چون هاروی، پارسل، ایسین، و آتو^{۲۶} از اواخر قرن بیستم آغاز و تا امروز ادامه داشته است. سیر تطوّر مفهومی حقوق شهروندی و ۴ برهه زمانی اصلی آن در «تصویر ۱» قابل مشاهده است.

۲.۱. حق بر شهر

لفور در نظریه خود استدلال می‌کند که به شهرها در فرایند صنعتی شدن حمله شده و در نتیجه جوامع شهری با پدیده‌هایی چون محله‌های محروم و افراد بی‌خانمان، مناطق مسکونی رو به وخامت، مردم آشفته، جوامع پراکنده، و شکنندگی فضایی مواجه گردیده‌اند. بر پایه این استدلال، لفور مفهوم حق بر شهر را در واکنش به شهر مشکل‌ساز و برای مقابله با آن مطرح می‌کند. در نظر او «شهر به مثابه اثری هنری و حاصلی از

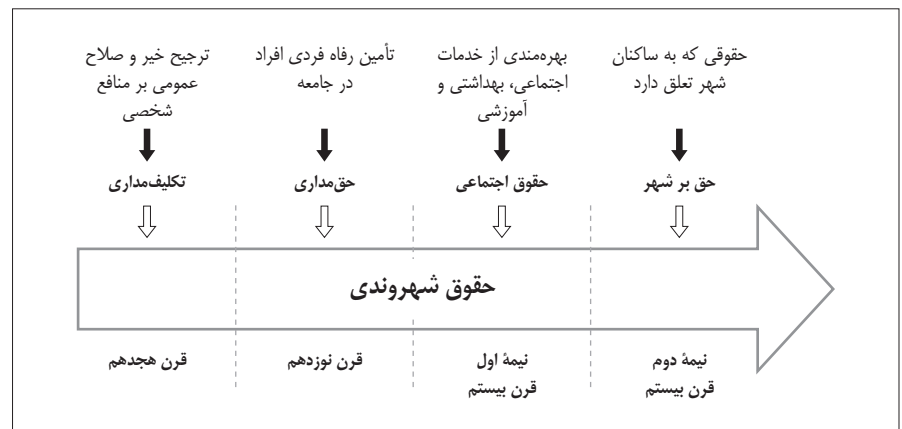
16. M. Purcell, "Excavating Lefebvre: The Right to the City and its Urban Politics of the Inhabitant", p. 102.

17. Lefebvre, *ibid*, p. 158.

۱۸. نک:

D. Harvey, "The Right to the City"; Purcell, *ibid*; idem, "Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order"; E. Isin, "Introduction: Democracy, Citizenship and the City"; A.K. Attoh, "What Kind of Right is the Right to the City?"

تصویر ۱. سیر تطوّر مفهومی حقوق شهروندی، طرح: نگارندگان.





ناملموس و در قالب ۲ بعد حق مشارکت شهری و حق فضای شهری است. در تحقیق حاضر این دو بعد در مجموع در ۴ مؤلفه تحلیل شده است که حق مشارکت شهری شامل حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی و حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، و حق فضای شهری شامل بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و مالکیت و دسترسی به فضا است.

۱.۳.۱. حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، حق بر شهر ایده‌ای در مقابل تسخیر فضای شهری از سوی سرمایه‌داری است. لغور معتقد بود که رشد سرمایه‌محور شهرها، از یک سو باعث رانده شدن شهروندان از مرکز دایره تصمیم‌گیری و کاهش نقش‌آفرینی آن‌ها در توانایی ایجاد تغییر در فضای شهری می‌شود و از سوی دیگر، نخبگان و سرمایه‌داران را به شهر مسلط می‌کند. درحالی‌که کنترل کاربری اراضی شهری حق مالکان زمین و نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست؛ بلکه این حق متعلق به افراد متأثر از تصمیمات است.^{۲۷}

اهمیت این مؤلفه از حق بر شهر در نسبت با مفهوم متأخر حکمروایی شهری بیشتر نمایان می‌شود. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی که در حق بر شهر مورد تأکید است، با تعدد و تکثر کنشگران تصمیم‌گیر در مفهوم حکمروایی شهری^{۲۸} متناظر است. به تعبیر دیگر، حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی شامل کنش‌ها یا اقداماتی از سوی ذی‌نفعان شهری در نسبت با حاکمیت است که منجر به جهت‌دهی و اثرگذاری بر تصمیمات حاکمیت در سطح محلی می‌شود. این کنش‌ها می‌تواند از مشارکت در انتخابات اعضای شوراهای شهر تا بیان درخواست جمعی از سوی ساکنین یک محله به شهرداری برای ترمیم آسفالت یک کوچه را در بر گیرد.

حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی ذیل ارتباط میان تابعیت شهری^{۲۹} و تصمیم‌گیری عمومی در مقیاس محلی معنی

می‌شود^{۳۰} و از این رو حق بر شهر را می‌توان حالت تکامل یافته حق شهروندی پنداشت.

اکنون حق بر شهر در آستانه تبدیل شدن به یک مفهوم برجسته و هدایتگر برای چارچوب‌دار کردن موضوعات حقوقی در مطالعات شهری و سایر حوزه‌های مرتبط با علوم اجتماعی است، به گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی و رشته‌های شهرمحور به کمک این مفهوم در موضوعات مرتبط با حقوق شهری به کاوش پرداخته‌اند.

۳.۱. چارچوب مفهومی حق بر شهر

به دلیل انتزاعی بودن مفهوم حق بر شهر، سنجش آن عمدتاً با خلأ مواجه است و محققین حسب گرایش‌های علمی خود ابعاد و مؤلفه‌هایی را برای آن ترسیم کرده‌اند. در بررسی آرای آن‌ها قابل توجه است که، اگرچه بنیان غیر انضمامی و پیچیده مفهوم حق بر شهر در تبیین و مفهوم‌پردازی، از یک سو، دچار کثرت و تعدد و از سوی دیگر دچار هم‌پوشانی نسبی ابعاد و مؤلفه‌های ترسیم‌شده در خوانش‌های مختلف از آن شده است؛ اما باید در نظر گرفت که معیار تفکیک ابعاد و مؤلفه‌ها برای مفهوم‌پردازی حق بر شهر اولویت دادن به عناصر مفهومی بر حسب هدف و زمینه تحقیق، علی‌رغم برخی همپوشانی‌ها است.

به طور نمونه، معروفی و وحیدی برجی در پژوهش خود به ذکر ۴ بعد اصلی از حق بر شهر شامل حق مشارکت، حق تخصیص فضای شهری به شهروندان، حق مرکزیت، و حق شهروندیت شهری پرداختند^{۳۱}. در نمونه‌ای دیگر رفیعیان و الوندی‌پور در پژوهش خود ۴ بعد اعم از حاکمیت شهری، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی، و تنوع و سرزندگی همراه با ۱۹ مؤلفه را برای تبیین مفهوم حق بر شهر برشمردند^{۳۲}.

به منظور تشکیل چارچوب تحلیل محتوای حق بر شهر در قوانین مورد نظر در این پژوهش و بر مبنای مطالعه ادبیات موضوع، مفهوم حق بر شهر مبتنی بر دو جنبه ملموس و

19. Lefebvre, *The Right to the City*, p. 67.

20. Purcell, "Possible worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City", p. 141.

۲۱. افروغ، ۱۳۷۶: ۱۶۰.

۲۲. نک:

Insin, *ibid.*

۲۳. نک:

Purcell, "Possible worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City".

24. Lefebvre, "Space and Politics", p. 173.

۲۵. نک: حسین معروفی و گل‌دیس

وحیدی برجی، «فضا و تحقق‌پذیری

شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی

برآمده از حق شهری به منظور

تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران

و لادفانس در پاریس».

۲۶. نک: مجتبی رفیعیان و نینا

الوندی‌پور، «مفهوم‌پردازی اندیشه

حق به شهر، در جستجوی مدلی

مفهومی».

۲۷. نک:

Purcell, "Excavating

Lefebvre: The Right to the

City and its Urban Politics of the

Inhabitant".

۲۸. نک:

P. Taylor, *The Urban*

Governance Index: A Tool

to Measure the Quality of

Urban Governance.

29. Urban Citizenship

برای مشاهده آن تا شکل‌دهی به اجرای یک برنامه پیاپی در آخر هفته و مشارکت ایشان در آن شود. این مؤلفه از حق بر شهر نافی حق فردیت^{۳۳} در فرایند اجتماعی شدن نیست. بدین معنی که افراد در تنظیم کم‌وکیف تعامل خود با فضای شهری و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مخیرند و حق آزادی و حق تفاوت در جامعه برای شهروندان محفوظ است.^{۳۴}

۱.۳.۳. حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا

فارغ از جنبه کنشگری و اثرگذاری شهروندان بر فضا، که به مؤلفه مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی اشاره دارد، بهره‌مندی و اثرپذیری شهروندان از فضا نیز حائز اهمیت است.

کنترل داشتن بر فضا و اعمال نظر درباره آن از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها لزوماً به معنای استفاده از فضا یا مالکیت آن نیست، از این رو باید میان حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و بهره‌مندی از ویژگی‌های آن تفاوت قائل شد. لفور حق بهره‌مندی از فضای شهری را به معنای حق استفاده شهروندان از همه فضاهای شهری، به منظور مرتفع کردن احتیاجات روزمره، می‌داند.^{۳۵} این حق شامل استفاده شهروندان از فضا، اجتماع، و فرهنگ است. حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضای شهری شامل حق زندگی، بازی، کار، نمایاندن، توصیف کردن، و بهره بردن از همه ویژگی‌های فضای شهری می‌شود.^{۳۶}

۱.۳.۴. حق مالکیت و دسترسی به فضا

فارغ از حق بهره‌مندی از فضای شهری که بیشتر شامل ویژگی‌های ناملموس فضا می‌شود، شهروندان مالکیت و دسترسی به فضای شهری را نیز، که شامل ویژگی‌های ملموس فضا است، به منزله یک مؤلفه در مفهوم‌پردازی حق بر شهر، دارا هستند. دسترسی به فضاهای شهری و تخصیص یافتن فضا به شهروندان یا مالکیت داشتن آن‌ها بر فضا عنصر مفهومی اصلی

می‌یابد و عنصر مفهومی اصلی در تشخیص مؤلفه مذکور مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی است که، حسب مناسبات قانونی موجود، در سطح محلی متولی مشخصی دارند؛ به طور مثال اعمال عقیده شهروندان در مورد اینکه منابع مالی شهر در حمل‌ونقل عمومی هزینه شود یا حمل‌ونقل خصوصی، اینکه الگوی شهرسازی حاکم بر شهر از نوع بسیط، محدود، متمرکز، یا پراکنده باشد، اینکه کاربری فضای سبز و فضای فرهنگی و تعاملی شهر چگونه و به چه نسبتی با یکدیگر ترکیب و یا از یکدیگر تفکیک شوند، و به طور کلی هر تصمیمی که فضای شهری و شهروندان را به طور فراگیر در مقیاس محلی تحت تأثیر قرار می‌دهد، همه از مصادیق حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی محسوب می‌شوند.^{۳۷}

۱.۳.۲. حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی

به تعبیر لفور، «مفهوم شهروندی بر پایه استفاده کامل از فضا با هدف ایجاد یک زندگی اجتماعی متفاوت شکل می‌گیرد».^{۳۸} استفاده کامل از فضا دوطرفه است، اثرگذاری و تولید فضا از یک سو و بهره‌مندی و اثرپذیری از فضا از سوی دیگر. درگیر شدن و تعامل افراد با رخدادهای اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، و اقتصادی، که به معنای کنشگری شهروندان در تولید و تعامل با فضا است، منجر به مشارکت و اثرگذاری آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های غیر حاکمیتی به منزله عنصر اصلی در تشخیص این مؤلفه از حق بر شهر خواهد شد. شهروندان حق دارند که اطلاعات آنچه می‌خواهد در فضا تولید بشود و آنچه تولیدشده را داشته باشند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نسبت به تغییر آن‌ها اثرگذار باشند.^{۳۹}

به تعبیر دیگر، حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی شامل کنش‌ها یا اقداماتی از سوی ذی‌نفعان شهری در رویدادهایی است که مشخصاً فارغ از ایفای نقش تصمیم‌گیران حاکمیتی محلی در آن رویداد صورت می‌گیرد. این کنش‌ها می‌تواند شامل اجرای یک نمایش هنری در فضای عمومی و تجمع شهروندان

۳۰. نک:

Purcell, ibid.
31. Lefebvre, ibid, p. 173.

۳۲. نک:

Y. Jabareen, "The Right to the City, Revisited: Assessing Urban Rights - The Case of Arab Cities in Israel".

33. The Right to Individualization
34. Ibid, 2014

۳۵. نک:

Lefebvre, "Space and Politics".

۳۶. نک:

Jabareen, ibid.

۳۷. نک: Ibid.

۳۸. نک: ناصر برک‌پور، «نظریه‌های

محتوایی و رویه‌ای شهرسازی».

۳۹. نک:

Government – Guidance

Good Law, Based on Speech:

Making the Law Easier for

Users: the Role of Statutes, by

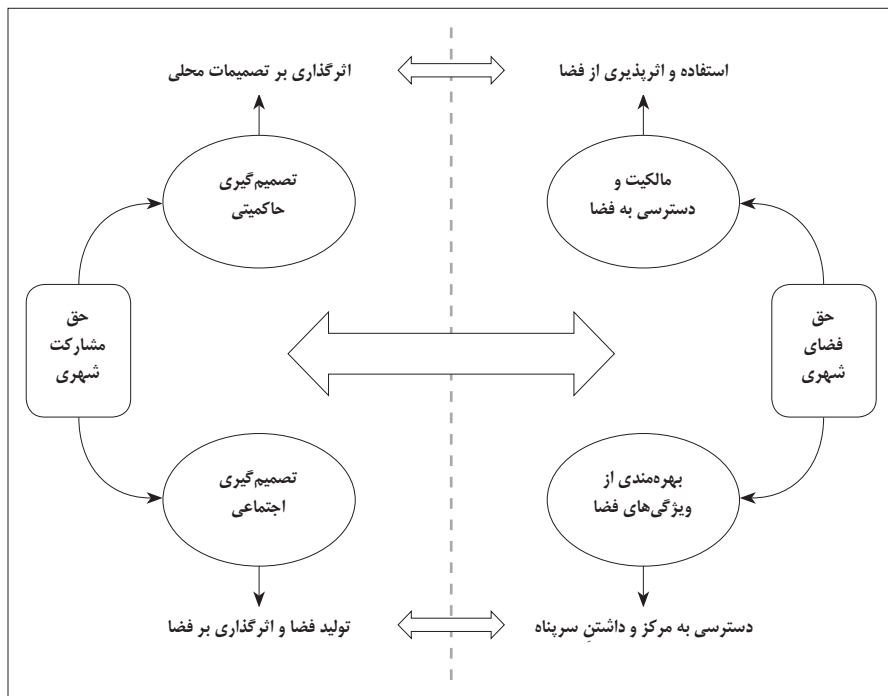
Recharad Heaton.

40. The Office Of

Parliamentary Counsel

تصویر ۲. مفهوم‌پردازی حق بر

شهر، طرح: نگارندگان.



مشاوره پارلمان^{۴۰} انگلستان، در قالب یک چارچوب مفهومی، ابعاد و مؤلفه‌های سنجش مطلوبیت قوانین از منظر رویه‌ای را بر پایه ۵ عنصر ضرورت و لزوم وجود، وضوح و شفافیت، انسجام درونی و بیرونی (اعم از عدم تعارض مفاد یک قانون با یکدیگر و عدم تعارض مفاد آن با مفاد سایر قوانین)، اثربخشی و مثمر ثمر بودن قانون، و نهایتاً دسترس پذیری آن تدوین کرده است. بر مبنای ۵ عنصر فوق، ۴ بُعد برای چارچوب مفهومی تحلیل قوانین از منظر رویه‌ای در نظر گرفته شده است: محتوا، زبان و سبک، معماری و ساختار، و نحوه انتشار که هر کدام از این ابعاد نیز شامل مؤلفه‌هایی هستند که به شکل سؤالاتی به شرح ذیل مطرح شده‌اند^{۴۱}:

الف. محتوا

(۱) آیا وجود این قانون لازم است؟

(۲) قانون مورد نظر با قوانین دیگر تداخل یا تعارض ندارد؟

در تشخیص این مؤلفه از حق بر شهر محسوب می‌شود.

اهمیت حق دسترسی در مراکز شهرها نمود بیشتری می‌یابد. مراکز شهرها فضاهایی هستند، که به دلیل مطلوبیت موقعیت مکانی از منظر دسترس‌پذیری، عمدتاً بیش از سایر نقاط شهر مورد توجه سرمایه‌داران و صاحبان قدرت در شهر هستند. به بیان دیگر، مرکز شهر هم شامل ویژگی مکانی مرکزیت می‌شود و هم بازگوکننده مرکزیت در قدرت تصمیم‌گیری است و حق دسترسی به مرکزیت به حق استفاده از مرکز تعبیر می‌شود؛ مرکز به این معنا که استفاده‌کننده‌اش از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است.

تخصیص فضا به شهروندان در قالب مالکیت بر آن نیز بدین معنا است که همه افراد ساکن در شهر علاوه بر داشتن حق سکونت بدون باطل کردن حق دیگران، از حق مسکن نیز برخوردارند. این حق شامل حق داشتن سرپناه یا مسکن ایمن، محافظت‌شده از محیط، دارای عدالت زیست محیطی، آب شرب، و زیرساخت‌های پایه است.^{۳۷}

بر مبنای آنچه در مفهوم‌پردازی حق بر شهر آمد، چکیده تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها، و عناصر مفهومی تشکیل‌دهنده حق بر شهر و روابط میان آن‌ها در «تصویر ۲» ملاحظه می‌شود.

۴.۱. چارچوب مفهومی تحلیل قوانین

تفاوت ابعاد محتوایی و رویه‌ای به تفاوت میان «چه چیز؟» و «چگونه؟» تشبیه شده است.^{۳۸} تحلیل جامع از محتوا یا چیستی، و رویه یا چگونگی بازتاب حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران ابتدا نیازمند ترسیم چارچوب مفهومی در هر دو بُعد محتوایی و رویه‌ای است. چارچوب مفهومی برای انجام تحلیل رویه‌ای در این مقاله از مؤلفه‌ها و عناصری تشکیل می‌شود که ناظر بر ویژگی‌های شکلی، ساختاری، و غیر ملموس قانون هستند.

یک قانون مطلوب از منظر رویه، فهرستی از دستورات اجرایی یا یک الزام غیر رسمی برای اجرای تعدادی فرایند نیست.^{۳۹} دفتر

ب. زبان و سبک

(۱) آیا قانون مورد نظر قابل فهم است؟
 (۲) تا چه حد تفاسیر و قرائت‌های گوناگونی می‌توان از آن داشت؟

پ. معماری و ساختار

(۱) ساختار قانون مورد نظر در خصوص قوانین بالادستی و پایین‌دستی چگونه است؟
 (۲) قانون مورد نظر چگونه باید به مقررات و دستورالعمل تبدیل شود؟

ت. انتشار

(۱) چگونه باید این قانون را به اطلاع مخاطبان آن رساند؟
 (۲) جست‌وجوی قانون مورد نظر در فضای مجازی از چه طریقی است؟
 (۳) راهبری و اجرای مطلوب آن به چه صورت اتفاق می‌افتد؟

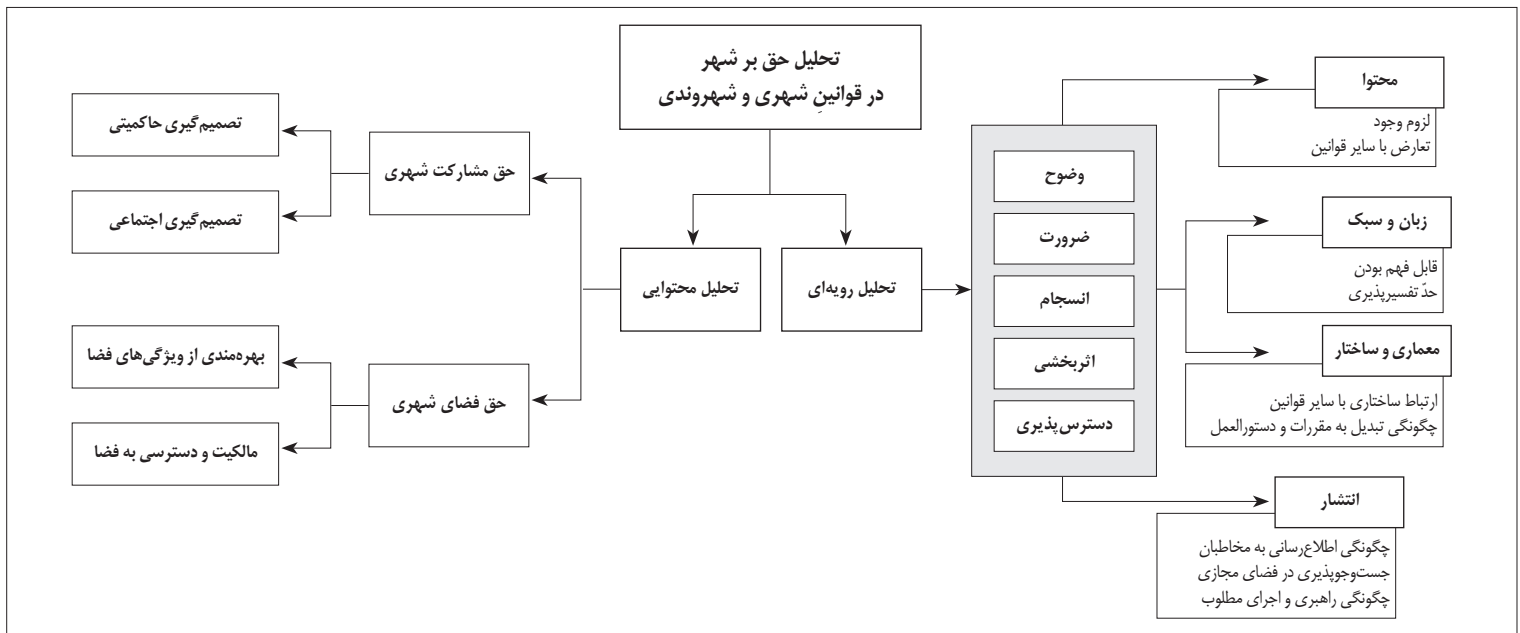
۴۱. نک: Ibid.

تصویر ۳. چارچوب تحلیل رویه‌ای و محتوایی، طرح: نگارندگان.

۲. چارچوب تحلیل رویه‌ای و محتوایی

بر مبنای مطالعه مبانی و مفاهیم نظری موضوع و ترسیم چارچوب مفهومی حق بر شهر و چارچوب مفهومی تحلیل قوانین، چارچوب «تصویر ۳» به منظور تحلیل چستی (محتوا) و چگونگی (رویه) بازتاب مفهوم حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران تشکیل می‌شود.

مطابق «تصویر ۳» تحلیل قوانین شهری و شهروندی ایران از جنبه‌های رویه‌ای و محتوایی انجام می‌پذیرد که هر یک از آن‌ها ابعاد و مؤلفه‌هایی دارند. ۴ مؤلفه مورد استفاده در تحلیل محتوایی قوانین شامل تصمیم‌گیری حاکمیتی، تصمیم‌گیری اجتماعی، بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا، و مالکیت و دسترسی به فضا هستند. همچنین مؤلفه‌های ۹ گانه تحلیل رویه‌ای شامل لزوم وجود قانون، تعارض با سایر قوانین، قابل فهم بودن، حد تفهیرپذیری، ارتباط ساختاری با سایر قوانین، چگونگی تبدیل به مقررات و دستورالعمل، چگونگی اطلاع‌رسانی به مخاطبان،





جست‌وجوپذیری در فضای مجازی، و درنهایت چگونگی راهبری و اجرای مطلوب هستند.

۳. روش تحقیق

روش در پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^{۴۲} است. به دلیل بدیع بودن مفهوم حق بر شهر در عرصه نظر، سنجش محتوا و رویه آن در قوانین موجود به روشی نیاز دارد که صحت و روایی بالایی داشته باشد. روش تحلیل محتوا، از این رو، کیفی انتخاب شده است. از سوی دیگر، در تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار نظریه نقش ارجاعی دارد و شروع فرایند تحلیل است. انتخاب روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار در این تحقیق، از یک سو، باعث می‌شود تا نتایج حاصل از تحقیق، به دلیل ساختارمند بودن آن در قیاس با سایر رویکردهای مرسوم در تحلیل محتوای کیفی، اعتبار بیشتری داشته باشد و از سوی دیگر، به دلیل نقش ارجاعی نظریه در تحلیل یافته‌ها، تحلیل و تفسیر نتایج می‌تواند با انعطاف بیشتری صورت گیرد.

جامعه آماری قوانین مرتبط با موضوعات شهری و شهروندی در ایران بسیار گسترده و میزان ارتباط آن‌ها با مفهوم حق بر شهر متفاوت است. در این مقاله اصلی‌ترین قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی در امور شهری و شهروندی مورد نظر هستند که به روش نمونه‌گیری از موارد شناخته‌شده^{۴۳} و کسب نظر از متخصصان مطلع در حوزه حقوق شهری، و با در نظر داشتن معیارهای جامعیت، بالادستی بودن، و ارتباط محتوایی با هدف تحقیق انتخاب و بررسی شده‌اند. عناوین ۸ قانون منتخب برای انجام کدگذاری به شرح ذیل است:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸

- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳

- قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴

- قانون تشکیلات، وظایف، و انتخابات شوراهای اسلامی کشور

و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵

- قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷

- قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری مصوب ۱۳۵۱

- قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن مصوب ۱۳۵۳

- قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا، و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴

به منظور تعیین روایی یا اعتبار تحلیل محتوای قوانین در این مقاله، اولاً نمونه‌های انتخاب‌شده، یعنی قوانین هشت‌گانه، در تناسب با عنوان تحقیق هستند. با توجه به هدف تحقیق، یعنی بررسی رویه‌ای و محتوایی حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران، نمونه‌های انتخاب‌شده نباید قوانین منسوخ یا اجراشده و حتی قوانین هنوز تصویب‌نشده را شامل شود.^{۴۴} ثانیاً تجزیه سؤال یا هدف تحقیق و تناظر آن با متغیرهای تحلیل به گونه‌ای است که درنهایت همه جنبه‌های موضوع، چه از منظر رویه‌ای و چه از منظر محتوایی، سنجیده می‌شود. در این تحقیق با انتخاب ۲ نوع متغیر، مجموعاً در ۸ بعد و ۱۳ مؤلفه، سعی شده تا بررسی قوانین شهری با جامعیت حداکثری صورت پذیرد.

به منظور دستیابی به قابلیت اطمینان مطلوب در این مقاله از یکی از متداول‌ترین شیوه‌های سنجش پایایی در تحلیل محتوا به نام «پایایی مرکب»^{۴۵} استفاده شده که رابطه آن چنین است:

$$C.R = \frac{2M}{N_1 + N_2} \quad \text{رابطه ۱: پایایی مرکب}$$

در «رابطه ۱» M تعداد تصمیم‌های مشترک بین دو کدگذار است. N_1 و N_2 نیز به ترتیب تعداد تصمیم‌ها یا کدگذاری‌هایی است که کدگذاران اول و دوم انجام داده‌اند. حسب انتخاب ۸ قانون و بررسی ۱۳ مؤلفه در هر یک، ۱۰۴ تصمیم از سوی هر کدگذار اتخاذ و پس از اعمال کدگذاری بر قوانین توسط آن‌ها، ۹۰ مورد اشتراک حاصل شده که پایایی ۰/۸۶۵ را نشان می‌دهد:

$$C.R = \frac{2 \times 90}{104 + 104} = 0.865 \quad \text{رابطه ۲:}$$

42. Directed Content Analysis

43. Reputational Case Sampling

۴۴. نک: آله آر هولستی، تحلیل

محتوا در علوم اجتماعی و انسانی.

45. Composite Reliability

۴. کدگذاری قوانین

پس از انتخاب قوانین مورد نظر، فرایند کدگذاری و تحلیل محتوا توسط ۲ کدگذار و بر اساس متغیرها و مقوله‌های «جدول ۱» اجرا شده است. در گام نخست از فرایند کدگذاری، ابتدا عبارات و واژگان مرتبط با مؤلفه‌های محتوایی تحقیق یعنی مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، مشارکت در تصمیم‌گیری

جدول ۱. متغیرها و مقوله‌های کدگذاری، بر اساس یافته‌های تحقیق.

مقوله‌ها	متغیرها		
	انواع	ابعاد	مؤلفه‌ها
مشارکت شهری	حق مشارکت شهری	مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی	اشاره دقیق (۵)، اشاره مستقیم (۴)، میانه (۳)، اشاره غیر مستقیم (۲)، عدم اشاره (۱)
			اشاره دقیق (۵)، اشاره مستقیم (۴)، میانه (۳)، اشاره غیر مستقیم (۲)، عدم اشاره (۱)
حق فضای شهری	حق مالکیت و دسترسی به فضای شهری	حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضای شهری	اشاره دقیق (۵)، اشاره مستقیم (۴)، میانه (۳)، اشاره غیر مستقیم (۲)، عدم اشاره (۱)
			اشاره دقیق (۵)، اشاره مستقیم (۴)، میانه (۳)، اشاره غیر مستقیم (۲)، عدم اشاره (۱)
محتوا	لزوم وجود	عدم تعارض با سایر قوانین	بسیار لازم (۵)، لازم (۴)، میانه (۳)، نا لازم (۲)، قابل حذف (۱)
			کاملاً نامتعارض (۵)، نامتعارض (۴)، میانه (۳)، متعارض (۲)، کاملاً متعارض (۱)
زبان و سبک	قابل فهم بودن	حدّ تفسیرناپذیری	بسیار قابل فهم (۵)، قابل فهم (۴)، میانه (۳)، نامفهوم (۲)، بسیار نامفهوم (۱)
			بسیار تفسیرناپذیر (۵)، تفسیرناپذیر (۴)، میانه (۳)، تفسیر پذیر (۲)، بسیار تفسیرپذیر (۱)
معماری و ساختار	ارتباط ساختاری با سایر قوانین	چگونگی تبدیل به مقررات و دستورالعمل	بسیار مرتبط (۵)، مرتبط (۴)، میانه (۳)، بی ارتباط (۲)، بسیار بی‌ارتباط (۱)
			روشن (۵)، تا حدی مشخص (۴)، میانه (۳)، مبهم (۲)، نامشخص (۱)
انتشار	اطلاع‌رسانی به مخاطبان	جست‌وجویپذیری در فضای مجازی	روشن (۵)، تا حدی مشخص (۴)، میانه (۳)، مبهم (۲)، نامشخص (۱)
			ایدئال (۵)، مطلوب (۴)، میانه (۳)، نامطلوب (۲)، بسیار نامطلوب (۱)
انتشار	اطلاع‌رسانی به مخاطبان	چگونگی راهبری و اجرای مطلوب	روشن (۵)، تا حدی مشخص (۴)، میانه (۳)، مبهم (۲)، نامشخص (۱)
			ایدئال (۵)، مطلوب (۴)، میانه (۳)، نامطلوب (۲)، بسیار نامطلوب (۱)

اجتماعی، حق مالکیت و دسترسی به فضای شهری، و حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضای شهری در هر یک از قوانین ۸ گانه نشانه‌گذاری شده است. سپس بر مبنای طیف ۵ گانه از مقوله‌های متناظر با هر یک از مؤلفه‌های محتوایی، کیفیت هر کدام در قوانین مورد نظر کدگذاری شد. در گام آخر نیز مؤلفه‌های رویه‌ای تحقیق، یعنی لزوم وجود، عدم تعارض با سایر قوانین، قابل فهم بودن، حدّ تفسیرناپذیری، ارتباط ساختاری با سایر قوانین، چگونگی تبدیل به مقررات و دستورالعمل، چگونگی اطلاع‌رسانی به مخاطبان، جست‌وجویپذیری در فضای مجازی، و چگونگی راهبری و اجرای مطلوب، در بخش‌هایی از قوانین، که شامل محتوای حق بر شهر در گام نخست از فرایند کدگذاری تشخیص داده شدند، بر مبنای طیف ۵ گانه از مقوله‌های متناظر با هر یک از مؤلفه‌های رویه‌ای، کیفیت هر کدام در قوانین مورد نظر کدگذاری شدند.

کدگذاری قوانین و تخصیص مقوله به واحدهای ۱۰۴ گانه تحلیل که از تقاطع ۸ قانون با ۴ مؤلفه محتوایی و ۹ مؤلفه رویه‌ای ایجاد شده است، در جدول ۲ ملاحظه می‌شود.

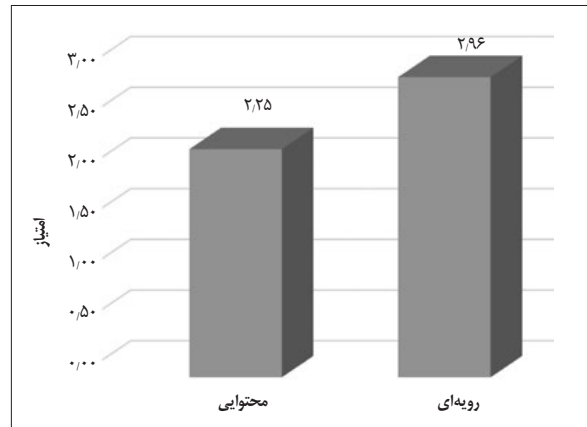
۵. یافته‌ها

مبتنی بر آنچه که در کدگذاری قوانین (جدول ۲) صورت گرفته، می‌توان برآیند ارزیابی نمود حق بر شهر در قوانین را در متغیرها، ابعاد، و مؤلفه‌های چارچوب تحلیل بررسی و همچنین وضعیت هر یک از قوانین را به صورت مستقل و نیز در مقایسه با یکدیگر تحلیل کرد. بر این اساس «تصویر ۴، ۵ و ۶» به ترتیب نمایانگر برآیند ارزیابی قوانین در متغیرها، ابعاد، و مؤلفه‌های چارچوب تحلیل هستند.

مطابق با نمودار «تصویر ۴» قوانین در متغیر رویه‌ای با امتیاز ۲٫۹۶ نسبت به متغیر محتوایی با امتیاز ۲٫۲۵ مطلوبیت بیشتری داشته‌اند. همچنین مطابق با نمودار «تصویر ۵» قوانین در بُعد محتوا از متغیر رویه‌ای دارای بیشترین میزان مطلوبیت با امتیاز ۳٫۵۰ و در



تصویر ۴ (بالا). نمودار برآیند ارزیابی قوانین در متغیرهای چارچوب تحلیل، بر اساس یافته‌های تحقیق. جدول ۲ (پایین). کدگذاری قوانین، بر اساس یافته‌های تحقیق.



ابعاد حق فضای شهری و حق مشارکت شهری از بُعد محتوایی دارای کمترین میزان مطلوبیت با امتیاز ۲,۲۵ هستند. نمودار «تصویر ۶» نیز نشان می‌دهد که قوانین مورد بررسی در مؤلفه‌های لزوم وجود و جست‌وجوپذیری در فضای مجازی با امتیاز ۴,۱۴ دارای بیشترین میزان مطلوبیت و در مؤلفه چگونگی اطلاع‌رسانی به مخاطبان دارای کمترین میزان مطلوبیت با امتیاز ۱ هستند. تأمل بر نمودارهای سه‌گانه فوق، که مطلوبیت حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران را در اجزای چارچوب تحلیل نشان می‌دهند، حاکی از آن است که قوانین مورد اشاره

قوانین متغیرها		قوانین							
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
		قانون اساسی	قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی*	قانون شهرداری	قانون شوراهای	قانون نوسازی و عمران شهری	قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی	قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن	قانون تعاریف محدوده و حریم شهری
محتوایی	حق مشارکت شهری	■ ■ ■ ■ ■	■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■	■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■
	حق فضای شهری	■ ■ ■ ■ ■	■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
رویه‌ای	محتوا	■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
	زبان و سبک	■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
	معماری و ساختار	■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
	انتشار	■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
		■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
		■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
		■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
		■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
		■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■
		■ ■ ■ ■ ■	---	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■	■ ■ ■ ■ ■

راهنما: ۵ مربع نشان‌دهنده بالاترین واحد کیفیت و ۱ مربع نشان‌دهنده پایین‌ترین واحد کیفیت، مطابق با مقوله‌های تعریف‌شده در «جدول ۱» است. * از آنجا که در تحلیل محتوایی حق بر شهر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی ارتباطی میان حق بر شهر و محتوای قانون مذکور احصا نشد، تحلیل رویه‌ای حق بر شهر در مفاد این قانون از وجاهت خارج گردید.

تحلیل هستند. بر این اساس نتایج حاصل از ارزیابی حق بر شهر در هر کدام از قوانین مورد بررسی در نمودار «تصویر ۷» قابل مشاهده است. این نمودار از ۸ قطعه تشکیل شده که هر قطعه در قالب یک رادار وضعیت حق بر شهر در هر یک از قوانین را در مؤلفه‌های ۱۳ گانه چارچوب تحلیل نشان می‌دهد. مساحت تیره در هر قطعه حاکی از مطلوبیت حق بر شهر در قانون مورد نظر از منظر مؤلفه‌های محتوایی و مساحت روشن نشان‌دهنده مطلوبیت حق بر شهر در قوانین از منظر مؤلفه‌های رویه‌ای است. از این رو هر چه مساحت ناحیه تیره بیشتر باشد، نشان‌دهنده آن است که حق بر شهر در قانون مورد نظر مطلوبیت بیشتری داشته است و به طریق مشابه هرچه مساحت ناحیه روشن بیشتر باشد، نشان‌دهنده آن است که حق بر شهر در قانون مورد نظر از نظر مؤلفه‌های رویه‌ای مطلوبیت بیشتری دارد.

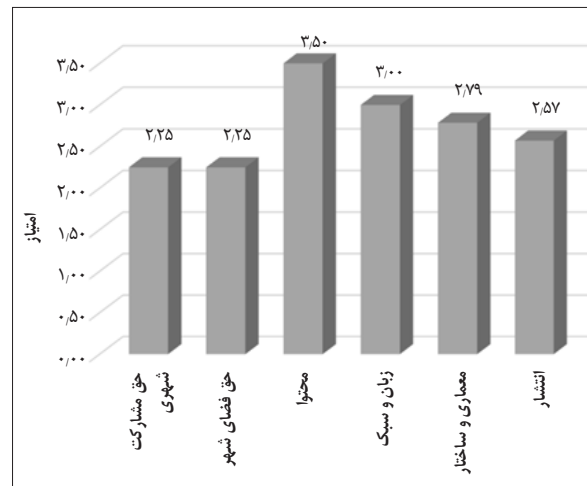
همچنین در نمودار «تصویر ۸» نیز مبتنی بر ارزیابی قوانین در مؤلفه‌های متغیر محتوایی و مؤلفه‌های متغیر رویه‌ای (مندرج در جدول ۲)، مقایسه کیفیت محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر در قوانین مورد بررسی به طور توأمان از ۲ منظر کیفیت رویه‌ای و کیفیت محتوایی نشان داده شده است.

همان‌گونه که در «تصویر ۸» مشاهده می‌شود، قانون اساسی (شماره ۱) دارای بیشترین کیفیت محتوایی و بیشترین کیفیت رویه‌ای در میان قوانین مورد بررسی است و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی (شماره ۲) دارای کمترین کیفیت محتوایی است و به دلیل آنکه در بررسی این قانون مشخص شد که متن آن عاری از هر نوع محتوای مرتبط با مؤلفه‌های حق بر شهر است، بنابراین بررسی کیفیت رویه‌ای آن بلاموضوع گشته است.

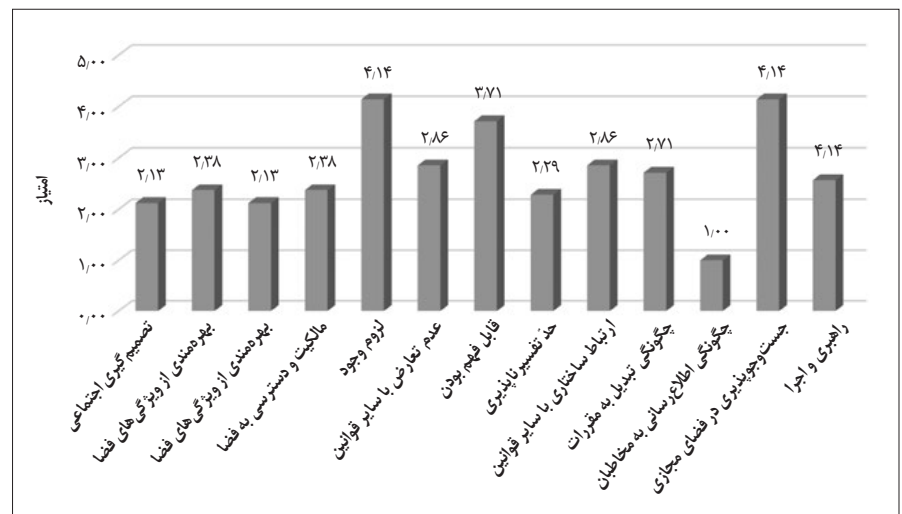
پس از قانون اساسی، قانون تشکیلات، وظایف، و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (شماره ۴) دارای بیشترین مطلوبیت محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر بوده است و قانون شهرداری (شماره ۳)، قانون تغییر نام وزارت آبادانی و

در متغیر رویه‌ای مطلوبیت بیشتری نسبت به متغیر محتوایی دارند و به طریق مشابه در ابعاد و مؤلفه‌های رویه‌ای نیز عمدتاً همین قاعده صادق است.

همان‌گونه که برآیند ارزیابی قوانین در متغیرها، ابعاد، و مؤلفه‌های چارچوب بررسی قوانین تحلیل شد، هر کدام از قوانین نیز، به طور مستقل و مبتنی بر مقادیری که در هر یک از مؤلفه‌های چارچوب تحلیل به آن‌ها اختصاص یافته، قابل



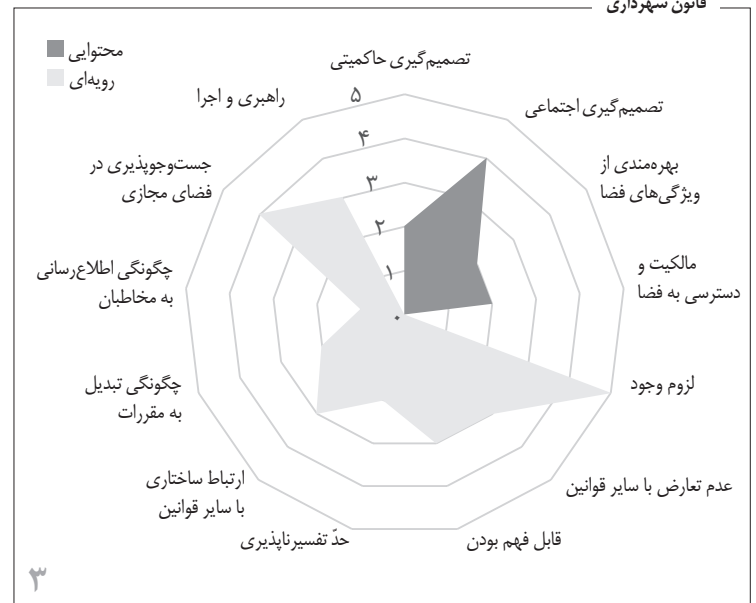
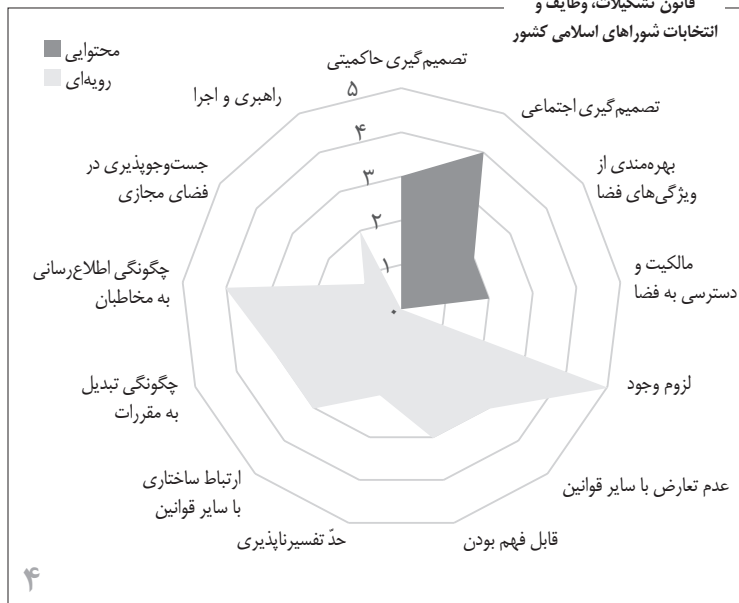
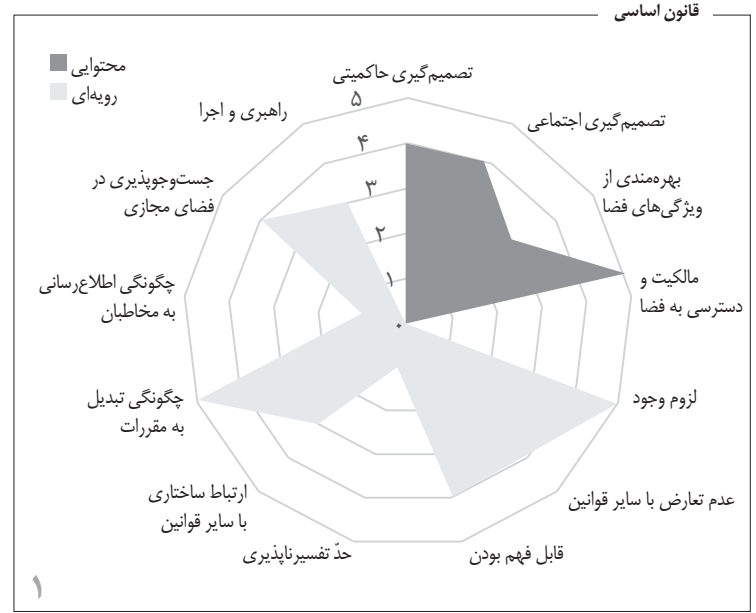
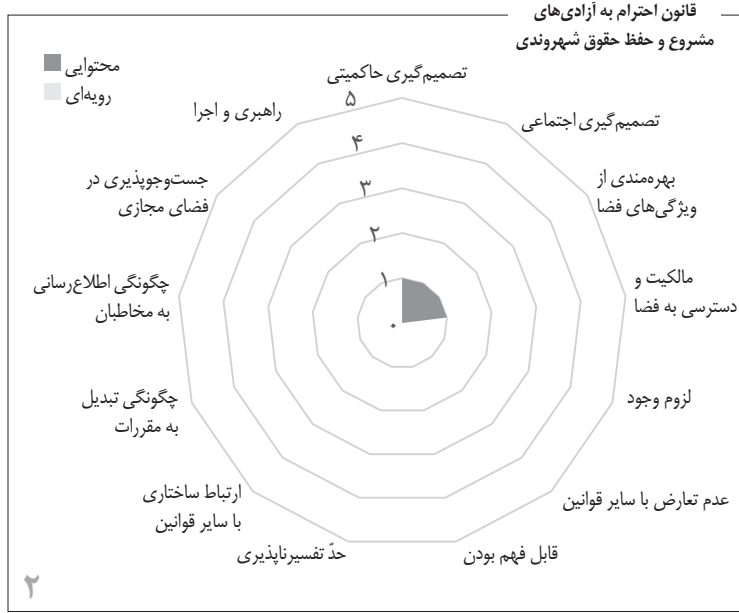
تصویر ۵ (بالا). نمودار برآیند ارزیابی قوانین در ابعاد چارچوب تحلیل، بر اساس یافته‌های تحقیق. تصویر ۶ (پایین). نمودار برآیند ارزیابی قوانین در مؤلفه‌های چارچوب تحلیل، بر اساس یافته‌های تحقیق.





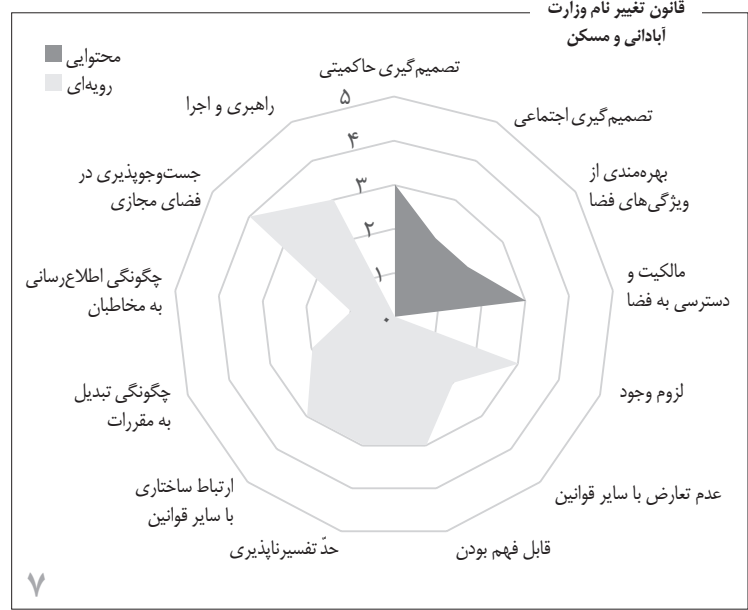
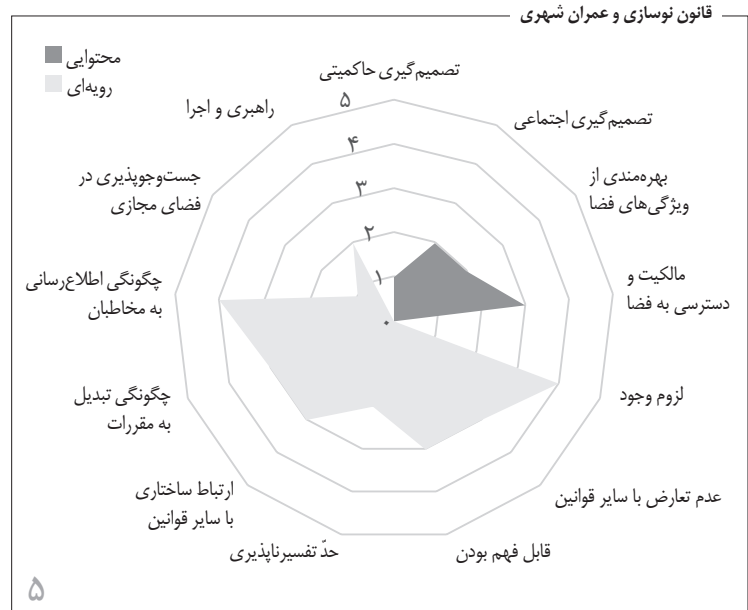
تصویر ۷.
نمودار ارزیابی حق بر شهر در قوانین ۸ گانه،
بر اساس مؤلفه‌های چارچوب تحلیل.

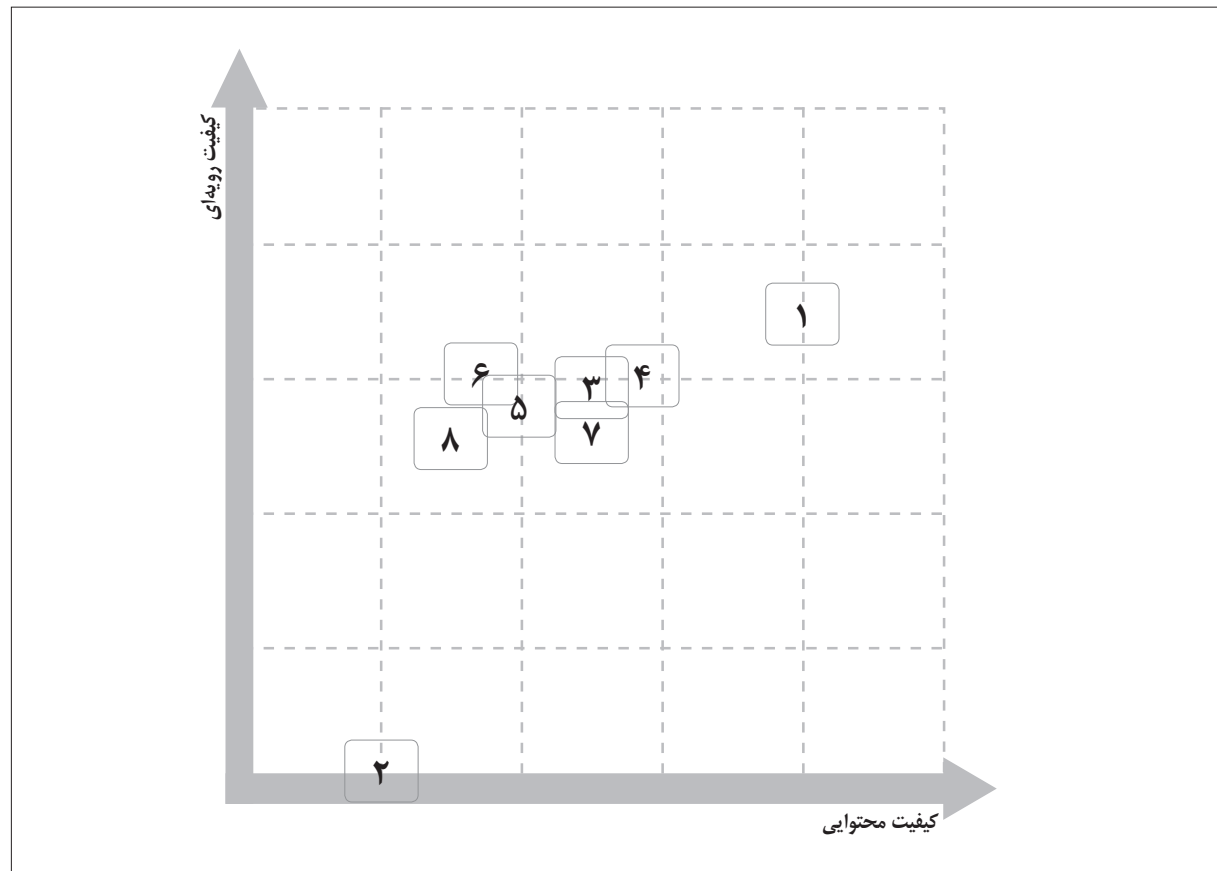
مسکن (شماره ۷)، قانون نوسازی و عمران شهری (شماره ۵)،
قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی (شماره ۶)، و



→ ادامه تصویر ۷.
 نمودار ارزیابی حق بر شهر در قوانین ۸ گانه،
 بر اساس مؤلفه‌های چارچوب تحلیل.

قانون تعاریف حریم و محدوده (شماره ۸) به ترتیب در رده‌های
 بعدی قرار دارند.





۶. نتیجه‌گیری، بررسی، و پیشنهادها

بررسی و مقایسه یافته‌های حاصل از این پژوهش، حاکی از برداشت مهم در بازتاب مفهوم حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران است: نخست آنکه به طور کلی مطلوبیت محتوایی حق بر شهر در قوانین مورد بررسی از مطلوبیت رویه‌ای آن کمتر است. اگرچه این تفاوت اندک به نظر می‌رسد، علت اصلی آن را می‌توان در تعریف مفهوم شهروندی در قوانین شهری و شهروندی کشور جست‌وجو کرد که بر مبنای آن‌ها شهروندی به مثابه تبعه کشور (نه ساکن شهر) در نظر گرفته شده. بازه زمانی

تصویب قوانین شهری و شهروندی مورد بررسی در این پژوهش از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۸۴ را در بر می‌گیرد. این بازه مصادف با زمانی است که غرب، در سیر تطوّر حقوق شهروندی، در حال بازتعریف مفهوم شهروندی به مثابه ساکن شهر بوده است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که در قوانین شهری و شهروندی نوشته‌شده در زمان مورد اشاره در ایران، شهروندی به معنای تبعه کشور تلقی شده است. از این رو مصادیق مربوط به ۴ مؤلفه اصلی حقوق شهروندی یعنی مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و مالکیت،

تصویر ۸. مقایسه قوانین در تحلیل رویه‌ای و محتوایی حق بر شهر، بر اساس یافته‌های تحقیق.

و دسترسی به فضا کمتر در آن‌ها یافت می‌شود.

علاوه بر دلایل فوق و به طریق مشابه، در ادبیات علمی حقوق شهروندی در ایران نیز کمتر اثری را می‌توان یافت که در آن از مفهوم حقوق شهروندی و شهروند به مثابه ساکن شهر به طور مستقل و خاص یاد شده باشد. شهروند به مثابه ساکن شهر عمدتاً مفهومی متجدد در کنار شهروند به منزله تبعه کشور بوده و در ادبیات حقوق شهروندی در ایران نیز همین قرائت در طول زمان بازتعریف شده است. از این رو ضعف در پرداختن به حق بر شهر برای ساکنین شهر در قوانین شهری و شهروندی کشور قابل فهم است.

برداشت دوم حاصل از بررسی یافته‌های پژوهش آن است که پراکندگی امتیازات کسب‌شده در متغیر رویه‌ای نسبت به متغیر محتوایی کمتر و امتیاز قوانین در متغیر رویه‌ای به یکدیگر نزدیک‌ترند. این نکته نشان می‌دهد که قوانین مورد بررسی بر حسب موضوع و به بیان دقیق‌تر نیازی که برای آن نوشته و تصویب شده‌اند، ارتباط محتوایی کم یا زیادی با مفهوم حق بر شهر دارند، در صورتی که به دلیل نزدیک بودن چگونگی قانون‌نویسی در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی، از منظر رویه‌ای به یکدیگر نزدیک هستند. به طور مثال تقریباً در هیچ‌یک از قوانین مورد بررسی اشاره‌ای به نحوه اطلاع‌رسانی قانون به مخاطبان آن نشده بود یا در خصوص جست‌وجوپذیری آن‌ها در فضای مجازی، همه قوانین به شکل یکسان در پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی قابل دسترس هستند. این عوامل موجب شده است تا مجموعه قوانین موضوعه مجلس از منظر مؤلفه‌های رویه‌ای شباهت زیادی نسبت به یکدیگر داشته باشند.

برداشت سوم در بررسی یافته‌ها، فقدان قانونی است که شهروند را به مثابه تبعه شهر به رسمیت بشناسد و او تبعه کشور مفروض نشود. پیش‌تر اشاره شد که بازه زمانی تصویب قوانین بررسی‌شده در این پژوهش مصادف با برهه‌ای بوده که غرب

به بازتعریف مفهوم حقوق شهروندی با تأکید بر شهروند به مثابه ساکن شهر می‌پرداخته است. بنابراین دور از انتظار نیست که قوانین شهری و شهروندی ایران که تا کنون به تصویب رسیده‌اند، به شهروند به مثابه ساکن شهر به شکل عام نپرداخته باشند. این افزایش سهم جمعیت شهرنشین نسبت به روستانشین در کشور و تغییر شتابان نیازهای اجتماعات شهری در ایران لزوم بازاندیشی در بنیان قوانین شهری و شهروندی کشور را با هدف تأمین حق بر شهر بیش از پیش نمایان ساخته است.

همان‌گونه که اشاره شد، ضعف در ادبیات علمی موضوع در داخل نیز موجب شده تا حق بر شهر و قرائت جدید مفهوم حقوق شهروندی به مثابه حق ساکنان شهر در قالب قوانین موضوعه کشور تجلی نیابد. بررسی تأثیرات حق بر شهر بر سایر عوامل ذیل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی از حیات جمعی در جامعه ایرانی و همچنین بررسی تأثراتی که حق بر شهر از این عوامل پذیرفته است، در محافل و مجموعه‌های علمی کشور، به‌ویژه مجموعه‌های مرتبط با توسعه شهری که می‌توانستند بیشترین نقش را در بسط و نشر مفهوم حق بر شهر داشته باشند، به‌ندرت یافت می‌شود.

با توجه به سیر طبیعی بازتعریف مفهوم شهروندی، می‌توان انتظار داشت که گذر زمان و تغییر نیازهای جوامع شهری در ایران موجب خواهد شد تا در سالیان آتی مفهوم حق بر شهر جای خود را در میان مطالبات مردم و به تبع آن قوانین کشور نیز بیابد. با این حال، راهکارهای روشن و اثربخشی که می‌تواند در برهه زمانی حاضر منجر به سرعت بخشیدن به بازتعریف مفهوم حقوق شهروندی و فراگیر شدن حق بر شهر در عرصه عمومی کشور شود، در دو محور قابل بیان هستند:

- محور نخست، اهتمام شوراهای اسلامی شهر به پرداختن به مفهوم حق بر شهر در تصویب برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سنواری شهری است. شوراهای می‌توانند نزدیک‌ترین سطح از حاکمیت به شهروندان قلمداد کرد؛ زیرا اعضای شورا منتخبین

مردم و نماینده‌ای از سوی مردم برای پیگیری تأمین حقوق ایشان در شهر هستند. برای این منظور ابزارهای مختلفی در اختیار اعضای شوراها قرار داد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اختیار تصویب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه شهری است که به موجب قانون نوسازی و عمران شهری به شوراها واگذار شده است. شوراها می‌توانند با لحاظ کردن مفهوم حق بر شهر در ادبیات برنامه‌های پنج‌ساله توسعه شهری و بودجه‌ریزی سنواتی برای شهر بر مبنای مفاد برنامه پنج‌ساله‌ای که در آن شهروند به مثابه ساکن شهر به رسمیت شناخته شده است، به گسترش و فراگیر کردن مفهوم حق بر شهر در حوزه اجرایی و عملیاتی کمک کنند.

منابع و مأخذ

- افروغ، عماد. *فضا و نابرابری اجتماعی؛ ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
- برک‌پور، ناصر. «نظریه‌های محتوایی و رویه‌ای شهرسازی»، در *فصلنامه مدیریت شهری*، ش ۱۰ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۸۲-۸۷.
- بشپریه، حسین. *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۵.
- رفیعیان، مجتبی و نینا الوندی‌پور. «مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر، در جستجوی مدلی مفهومی»، در *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره شانزدهم، ش ۲ (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۲۵-۴۷.
- کاستلز، استفان و الیستر دیویدستون. *مهاجرت و شهروندی*، ترجمه فرامرز تقی‌لو. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، ۱۳۸۳.
- کاظمیان، غلامرضا و اسماعیل صالحی و محمدحادی ایازی و علی نوذری‌پور و حسین ایمانی جاجرمی و نوید سعیدی رضوانی و مجید عبداللهی. *مدیریت شهری*، جلد اول: *مبانی و حوزه‌ها*، تهران: نشر تیسرا، ۱۳۹۲.
- لیدمان، لون اریک. *تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس*، ترجمه سعید مقدم، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.
- معروفی، حسین و گلдіس وحیدی برجی. «فضا و تحقق‌پذیری شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس»، در *فصلنامه مطالعات شهری*،
- ش ۱۶ (پاییز ۱۳۹۴)، ص ۵-۱۴.
- نوابخش، مهرداد. «بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، در *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، ش ۵ (بهار ۱۳۸۵)، ص ۱۱-۳۰.
- هولستی، اله آر. *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.
- متن قوانین مورد بررسی:
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳
- قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴
- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵
- قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷
- قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری مصوب ۱۳۵۱
- قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن مصوب ۱۳۵۳
- قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴
- مصوبات بودجه‌های سنواتی شهرداری تهران

Attoh, A.K. "What Kind of Right is the Right to the City?", in *Progress in Human Geography*, 35(5) (2011), pp. 669-685.

Government – Guidance Good Law. *Based on Speech: Making the Law Easier for Users: the Role of Statutes*, by Recharad Heaton, Office of the Parliamentary Counsel of United Kingdom, Last updated: 25 November 2015.

Harvey, D. "The Right to the City", in *New Left Review*, 53 (2008), pp. 23-40.

Isin E. "Introduction: Democracy, Citizenship and the City", in E. Isin (ed.), *Democracy, Citizenship and the Global City*, New York: Routledge, 2000, pp. 1-21.

Jabareen, Yosef. "The Right to the City, Revisited: Assessing Urban Rights - The Case of Arab Cities in Israel", in *Habitat International*, 41 (2014), pp. 135-141.

Lefebvre, H. "Space and Politics", in E. Kofman & E. Lebas

(eds), *Writings on Cities*, Cambridge: Blackwell, 1996.

_____. *The Right to the City*, Paris: Anthropos, 1968.

Purcell, Mark. "Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order", in *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3) (2003), pp. 564-90.

_____. "Excavating Lefebvre: The Right to the City and its Urban Politics of the Inhabitant", in *GeoJournal*, 58 (2002), pp. 99-108.

_____. "Possible worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City", in *Journal of Urban Affairs*, 36(1) (2013), pp. 141-154.

Taylor, P. *The Urban Governance Index: A Tool to Measure the Quality of Urban Governance*, Paris: Presentation to UNESCO UNHABITAT Meeting, 2006.